



امیرفیض- حقوقدان

در پیامی که بنام رئیس شورای تجزیه طلبان در رابطه با پایان انتخابات جمهوری اسلامی (غاصب) انتشار یافته دومورد، گفتگوی فلسفی را مجاز میسازد.

نخست هم میهنان ارزشی

ارزش در لغت به معنای بها و قیمت است و این معنا در مورد انسان قابل قبول نیست چون انسان شئی نیست و قابل معامله هم نمیباشد.^۱

هنگامیه واژه ارزش برای انسان بکارگرفته میشود، مفهوم آن فلسفی میشود و معنای ارزش هم تفاوت میکند. در انسان ارزشی (هم میهنان ارزشی) ارزش به مفهوم عقایدی است که یک فرد و یا گروهی بر آن عقیده ایمان و اعتقاد داشته و در حمایت و گسترش آن کوشا هستند.

بنا بر تعریف بالا بظاهر، هم میهنان ارزشی از نظر رئیس شورای تجزیه طلبان؛ کسانی میشوند که در شورای مزبور متمرکز و از قطعنامه آن شورا تبعیت و حقایقیت! آنرا تائید میکنند. اما در باطن و حقیقت چنین نیست.

تعریف تخصصی ارزش برای انسان متوجه دو شرط و یارکن اساسی است:

اول اینکه؛ آن عقیده باید مشروع و قانونی باشد بنابراین گروهی که برای انجام امور غیرقانونی و غیر شرعی متفق العقیده هستند انسان های ارزشی شناخته نمیشوند. در تطبیق این قاعده با شورای تجزیه طلبان، آن شورا و همه کسانی که قطعنامه و ماده ۱۱ آن شورا را امضا کرده اند نمیتوانند انسان های ارزشی شناخته شوند.

دوم، شرطی است که علاوه بر آنکه عقیده آن گروه ریشه ای قانونی و یا شرعی و یا سنتی فرهنگی و مورد قبول نسبی عامه بوده باشد، باید از ثبات هم برخوردار باشد.

بالزاک در مورد ثبات عقیده توجهی داده که میخوانیم:

<شخصیت انسان سیاسی متجلی از ثبات عقیده سیاسی اوست. وصول به چنین موقعیتی کار ساده ای است. شرطش این است که انسان بابر خورد با عقاید گوناگون و وعده وعید ها مانند گوسفندی که پشمش در اثر تماس با تیغ های جنگلی کشیده میشود به همان راحتی عقیده اش را از دست ندهد.>

^۱ - البته در مورد کسانی که بهیچوجه قابل «معامله» نیستند ولی برخی خوب هم «قابل خرید و فروش» هستند. ح-ک

لذا نمیتوان به کسانی که خود را طرفدار رئیس شورا میدانند و از منطق نا معقول (هرکه هرچه من میگویم باید قبول داشته باشند) تبعیت میکنند، آنرا **انسان های ارزشی** شناخت چراکه رئیس شورا در گذشته و حتی حال بریک پایه مشخص مقرون به نص و قانون ویا آشنای مردم سخن نفرموده و نمیفرمایند؛ بنابراین تلون فکری و اعتقادی ایشان سبب ایجاد هم میهنان ارزشی نسبت به آن گروه هم نمیگردد.

گیجی بیانیه در تفویض ارزش انسانی

بیانیه در تفویض امتیاز ارزش انسانی مبتلا به گیجی است. دریک جا از بیانیه، رای نداده ها را درگروه انتخاب کنندگان آرمان های ملی معرفی و از این جهت عنوان **هم میهنان ارزشی** را همراه با فشردن دست نصیب آنها کرده و در جای دیگر همین بیانیه، رای نداده ها در انتخابات دیروز به انگیزه رد کلیت نهاد ولایت فقیه جمهوری اسلامی عنوان شده اند که تفاوت و تضاد این دو کاملاً نمایان است.

هر دو این عناوین بی محتوا و فاقد مصرف اعتباری در علم کلام است زیرا اولاً هیچ دلیلی نیست که ممتنعین از شرکت در انتخابات به آرمانهایی که در این بیانیه عنوان شده و عبارت اول آن هم گواه است که برای آگاهی عمومی عنوان میشود مورد قبول و تبعیت ممتنعین از شرکت در انتخابات باشد؛ زیرا مواردی که بعنوان آرمان های ملی در بیانیه معرفی شده نه ناشی از نص و سنت و قانون است و نه عنوان کننده آن موقعیتی را دارد که به اعتبار قول و بیان او بتوان اعتبار نسبی به آن آرمان ها داد؛ و با همه این احوال نمیتوان به آنها آرمان های ملی نام نهاد. آرمان های ملی در شرایط کنونی همان است که در قانون اساسی مشروطه پیاده شده و کیفیت تداوم اجرائی و دستاوردهای اقتصادی و سیاسی و اجتماعی آن، ملی بودن آنها را تثبیت کرده است.

سوء استفاده از عنوان ملی

سوء استفاده از واژه ملی متأسفانه همگانی است فرقه دمکرات هم از کلمه ملی استفاده میکرد. خمینی هم با همه تنفیری که نسبت به ملی داشت نام ملی را برای سازمان امنیتش (ساواما) انتخاب کرد و جمهوری اسلامی هم از عنوان ملی (کارت ملی) سوء استفاده میکند - مخالفین شاهنشاهی ایران هم برای ارتش نام ملی نهاده بودند. و باتأسف بیشتر، اکثر فعالیت های خارج از کشور که خط سیاسی از **بیگانه** میگیرند هم یک عنوان ملی یدک دارند و باز، کار مصرف واژه ملی تا بدانجابه ابتدال کشیده شده که شورائی که باهدف تجزیه ایران تشکیل شده زیرچتر ملی خیمه زده است.

اگر آن ملی ها اعتبار دارد، عنوان ملی هم برای آرمانهای بی پشتوانه شورای تجزیه طلبان و آرمانهایی که در این بیانیه آمده و در واقع دم و گوش بریده قطعنامه شورای تجزیه طلبان است، اعتبار خواهد یافت؟

مورد دوم مقام حکم است

از باب فلسفی و حقوقی هیچ حکمی حکم شناخته نمیشود مگر اینکه حاکم حکم، از مشروعیت قانونی و یا شرعی بهره مند باشد و هیچ حکمی هم لازم الاتباع نیست مگر آنکه از مرجع قانونی و یا شرعی صادر شده باشد. فرهنگ ایرانی حکم و فرمان اجتماعی و سیاسی را از شاه و حکم شرعی و فتوا را از مرجع تقلید میدانند

خمینی در انتخاب بازرگان گفت من بنا بر حکم شرعی که دارم دولت تعیین میکنم و میزنم توی دهان این دولت.

رئیس شورای تجزیه طلبان فاقد موقعیت قانونی و مشروعیت لازم برای حکم و فرمان دادن است و لذا نه تنها فرمایشاتشان قابل تحویل گرفتن نمیشود بلکه فرمانشان متضمن تحریک و دخالت و ایجاد ضرر نفس و مال است که بالطبع شمول مسئولیت میشود.

رئیس شورا در مقامی که متمم قانون اساسی برای ایشان مسلم ساخته است میتوانند با داشتن دولت و یا فرم اندام مبارزه فرامین لازم را بوسیله رئیس آن دولت و یا فرماندار ابلاغ کنند نه مستقیم که مسئولیت حوادث احتمالی متوجه ایشان بشود. (سنت مشروطیت و قانون اساسی)

رئیس شورا انتظار نداشته باشند که ایرانیها اعم از ارزشی ها و بی ارزشی ها به دستورات و فرامین ایشان که در این بیانیه آمده است توجه و آنرا رعایت کنند؛ ایرانی ها فرهنگ خاص خودشان را دارند و در این فرهنگ متمایز با فرهنگ ملت های دیگر، شورا و رئیس شورا جایگاه فرماندهی و رهبری ندارند.

جای حیرات است؛ اعلیحضرت که بکرات تالم خودشان را از خونریزی و مبارزه توأم با خشونت عنوان کرده اند و مسئله مبارزه مدنی را برای ترضیه خاطر و رفع مسئولیت های احتمالی رواج داده اند چگونه بدون داشتن یشتوانه های لازم مردم را به غوغا و شکستن میله های زندان و بریدن طنابها که پیآمد آن بر یاکردن طنابهاست تشویق میفرمایند.

این اعمال که مبارزه آشوبگری نامیده میشود شرائط و مقدمات و امکاناتی لازم دارد که رئیس و شورای تجزیه طلبان بکل از آن بی بهره و همچنین متنفر استفاده از آن است، نیازه تامین تدارکات - خانه های امن - تیم های ضربتی نجات - وکلا و امکانات مادی برای وثیقه و امثال آنهاست. آیا شورای تجزیه طلبان قطره ای از آنها را دارد؟ ابد و هرگز که ندارد.

گرچه بنا بر ادعای آقای امید مهرکه از افراد برجسته شورای تجزیه طلبان است شورا دارای ۵۸۴ عنصر اطلاعاتی در مراجع جمهوری اسلامی است و بنا بر اعلام اعلیحضرت > ارتشیان ایران بیش از هر کسی از ایشان جانبداری میکنند، مع هذا این اطمینان تقدیم رئیس میشود که فرد ایرانی، امر و دستور هم ولایتی خودش را هر که باشد قبول نمیکند. بد یا خوب این داستان فرهنگ ماست که باخونهای بی کران نیاکان ما نوشته شده است.

چه فرمان یزدان چه فرمان شاه

ولی تالی فاسد این بی گذار به آب زدن ها و دستور طناب انداختن ها و ظاهر سازی ها حداقل این خواهد بود که چون این فرمان رئیس، از سوی مردم ایران تحویل گرفته نخواهد شد همه فرامین احتمالی آینده هم چون نسیم بهاری زود گذر خواهد بود.^۲

تقسیم مردم ایران

تقسیم مردم ایران به ارزشی و غیر ارزشی که در این بیانیه برای اولین بار بکار گرفته دقیقاً مصادف با اعلام اصلاح طلبان است که پس از احراز اینکه اهالی تهران به اصلاح طلبان رای داده و اهالی شهرستان ها به اصول گرایان مردم تهران را روشن فکر و مردم شهرستان را عقب مانده خطاب کردند،

^۲ - داستان چوپان و گرگ آمد است... ح-ک

تقارن این موضوع یعنی تقسیم مردم ایران به **مردم فهمیده و نفهم** ازسوی اصلاح طلبان و تقسیم مردم کشور به **ارزشی و بی ارزشی** ازسوی شورای تجزیه طلبان وابسته به جنبش سبز اصلاح طلبان مستفاد دستاوردهائی است که بزودی معلوم خواهد شد و یک موضوع سرسری و لغوی نیست.

تقسیم مردم به **ارزشی و غیرارزشی** ازفرآورده های اسلام است که مسلمانان رابه مسلمانان مومن و عادی تقسیم وقرآن امتیازات اسلامی را فقط متوجه مسلمانا مومن میداند، و اسلام هم آنها رابه فرق مختلفی قسمت وهرفرقه ای هم خود به چند قسمت تقسیم شده است و بهمین دلیل مسلمانان متفرق ترین وناهماهنگ ترین ادیان عالم هستند.^۳

تقسیم مردم ایران به **ارزشی و بی ارزشی** بیاد آور فرقه کثی زمان صفویه است که حیدر حیدری و نعمت نعمتی وحدت ایران رابسوی انقراض حتم پیش میبرد. آخرتقسیم مردم این با این عنوان اتهام آمیزچه سودی برای مبارزه و شخص رئیس شورا که سی سال صحبت ازوحدت و هماهنگی میکرد دارد؟

چراهرکه ازدر، درآمد و چیزی گفت شاه ماهم گرفت وفردا گفت

واژه های نامانوسی

چراباید دربیانیه ای خطاب به مردم ایران از واژه های نامانوس توده مردم استفاده شود؟

اگرمراد ازبیانیه دادن، بامردم حرف زدن است باید به زبان آشنای آنان حرف زد واگرغرض انشا نویسی وواژه سازی است که لعنت برآن واژه اختراع کن (نوری علاء).

حکایت برمزاج مستمع گوی اگرخواهی که دارد با تومیلی

این واژه های نامانوس وبحث پذیر که کاملاً برای توده مردم غریبه است چراباید متکای بیانیه های خطاب به مردم گردد؟! همین واژه **هم میهنان ارزشی** خیلی راحت میتواند ازسوی مردم وبیشتر ازسوی جمهوری اسلامی بعنوان یک اهانت به مردم ایران تعبیرشود که ایرانیان خارج ازکشور خودشان را با ارزش وایرانیان داخل کشوررابی ارزش میدانند. آیا دشواراست تاثیر آنرا درجامعه مذهب زده ایران دریافت نداشت؟

سوال اینجاست که این تقسیم بندی رییس شورای تجزیه طلبان با تقسیم بندی امام شعیان که شعیان را به دودسته میدانست؛ دسته ای که علما هستند ودسته دیگربقیه مردم که کف تشریف دارند؛ چه تفاوتی دارد؟^۴

حکومت پارلمانی گیتی گرا

حکومت پارلمانی گیتی گرا که وعده آن به مردم ایران داده شده همان است که درقانون اساسی جمهوری اسلامی بنام حکومت جهانی اسلام پیاده شده است، معنای حکومت جهانی اسلام رایرانیان میفهمند زیرا چوب آنرا خورده ومیخورند ولی آیا از ۸۰ میلیون ایرانیان معنای حکومت پارلمانی گیتی گرا که یک کامیون ده چرخه باید نامش را بکشد کسی میداند؟ بنده که یک ایرانی هستم نه تنها نمیدانم بلکه با تحقیق هم سردرنیاوردم. این را میگویند مبارزه با هماهنگی مردم؟ مردمی که نمیدانند حکومت

^۳ - احتمال به یقین دارد متن بیانیه بصورت انگلیسی تحویل «آبجی نازیلا» شده است (از کجا معلوم نیست) و او یا هرکس آنرا به پارسی برمیگرداند واژه Valued Citizen (Fellow Citizen) (فرانسه Citoyen Values) را بصورت «ارزشی» برگردان کرده باشد. برگردان چنین ترکیبی از انگلیسی یا فرانسه در پارسی هم میهنان گرامی می شود نه «ارزشی». ح-ک

^۴ - حسنعلی منتظری. ح-ک

پارلمانی گیتی چرا چیست چرا طناب داربیتاندازند و میله زندان بشکنند و بقیه کارها را بکنند آنهم برای چیزی که معنای آنرا نمیدانند.

در قدیم حکام و پادشاهان برای آگاهی از حال و احوال مردم با لباس مبدل به میان مردم میرفتند چه اشکالی دارد رئیس شورای تجزیه طلبان با تلفن بدون معرفی خود از چند ایرانی داخل کشور سوال کنند که حکومت پارلمانی گیتی گرا می‌خواهید یا خیر و از برخی هم پرسش شود که این نوع حکومت یعنی چه و بعد تأثیر بیانیه های این چنینی را با وجودان خودشان ارزیابی کنند، این را میگویند خود داوری و در این خود داوری است که رئیس در خواهند یافت که در چه منجلابی و به وسیله چه ناپاکان فرومایه ای در حال فرو رفتن هستند.

با وجدان خود مشورت کنید

مردم ایران سابقه آشنائی، سابقه رفاه، سابقه امنیت، سابقه کاروسازندگی، سابقه احترام بین المللی را از رژیم مشروطه شاهنشاهی ایران دارند و آیا کسی از حکومت پارلمانی آنهم **گیتی گرا** کدام یک را مردم براحتی میشناسند و درک میکنند؟

عرض رئیس شورا میرساند

آرمانهائی که در بیانیه مزبور به آن متکی شده اید و از عبارت <چراکه ما آرمانهائی داریم> که به معنای تازه بودن آن است، سابقه تکراری ۳۰ ساله دارد. آرمان نامه ۱۴ ماده ای - میثاق با مردم - کتاب زمان انتخاب و مصاحبه ها همه نمودار سابقه آرمان هائی است که در بیانیه مزبور و قطعنامه شورای تجزیه طلبان (منهای ماده ۱۱) آن پیاده شده است. دیدید که آنها هیچ کاربردی نداشت؛ که اینهم کاربردی ندارد.

برای اینکه سخن و بیانیه کاربرد تأثیری داشته باشد باید روی زمینه های باوری مردم حرکت کند تا تأثیر گذار باشد. سخن باید از مرجعی باشد که نمایندگی و هویت تاریخی و فرهنگی از مردم داشته باشد و همانطور که آب در مسیر طبیعی خود حرکت میکند مسیر تأثیر سخن و کلام در جامعه ایرانی یک مسیر آشنا و تسطیح شده قرون متمادی است، خارج از این مسیر حرکت و تأثیر سخن همانند انتظار حرکت آب در سر بالاست.

